

شهرآرا مجله

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از SHAHRRARANEWS.IR

گزارش برنامه ورزشی در صبح جمعه پاییزی

پرواز بادبادک ها به سمت خورشید

هنوز آفتاب روز جمعه آن قدرها بالا نرفته که پسر و دختر قد و نیم قد خودشان را به بوستان گل آرا نزدیک مجموعه چند منظوره ورزشی گلشن در انتهای شفیعی رساندند. از چند روز قبل خبرش را دارند که شهرداری منطقه و پایگاه شهید فعال صنعتی شهرداری می خواهد به مناسبت ...

گزارشی از آماده سازی فرهنگ سرای علوم و نجوم در بوستان وحدت

شادی و نشاط را در سرزمین دانایی تجربه کنید

اتفاق میمون و مبارکی است که مجموعه ای علمی و پژوهشی در بوستان قدیمی و کهنسال وحدت آغاز به کار خواهد کرد. وجود چنین مجموعه هایی در سازمان ها و مؤسسه های تابع شهرداری بیش از پیش لازم و ...

گفت و گو با جوان مهاجر که به دلیل بیماری دیابت معلول شده است

گذرنامه دارم و کسی کمک نمی کند

با خودمان گفتیم که لابه لای گزارش های معلولان سراغ کسی برویم که به دلیل مشکل، بیماری یا سانحه ای معلول شده است تا این عزیزان هم فراموش نشوند. برای همین با معرفی آقای موسوی، مسئول باشگاه معلولان غدیر در شفیعی، سراغ عباس آمدیم. عباس رضایی متولد سال ۱۳۶۲ ...

پای در دلد مادرانی که فرزند فلج مغزی دارند

مادر بودن برای کودکانی که بزرگ نمی شوند

۵۹۴





میم مثل معلول

حرف اول



فرشته رضایی
معلول و فعال حقوق معلولان

«مرد مهاجر دست فروشی را می‌شناختم از سال‌ها قبل، اما آن روز متوجه معلولیتی شدم که به تازگی همراه او شده بود و پسرکش گاری او را جابه‌جا می‌کرد. از این پس تصمیم گرفتم به اطرافم دقت بیشتری کنم.»

این‌ها حرف‌های دختر مهاجری است که در نظرش پدیده مهاجرت و معلولیت با هم تناقض دارد! مشکلات و قوانین مهاجرتی برای همه یکسان است و به خودی خود محدودیت‌هایی دارد اما برای فرد دارای معلولیت شرایط پیچیده‌تر خواهد بود.

در این یادداشت قصد دارم ۳ مشکل از مشکلات جامعه معلول مهاجر را بیان کنم. اولین مورد اشتغال است. نبود شغل مناسب با توجه به شرایط فرد پررنگ‌ترین محدودیت ماست، مشکلات بعد از آن رابطه مستقیم با منبع درآمد و شغل دارد از جمله؛ هزینه‌های مربوط به کارت آمایش یا گذرنامه، هزینه‌های درمان و نبود پوشش بیمه، مشکلات فرهنگی برای ازدواج این افراد و بازار کار برای یک مهاجر دارای معلولیت که هر کدام زندگی شخص را کاملاً درگیر می‌کند. متأسفانه مهاجران افغانستانی دارای معلولیت نه از سوی سازمان‌هایی مانند بهزیستی در کشور ایران حمایت می‌شوند و نه از سوی کشور افغانستان. این عزیزان بعضاً توانمندی‌هایی دارند که با توجه به عرف و نیاز جامعه، بازار کار ندارد.

مورد بعدی به صورت خاص درباره دختران معلول است، ازدواج و تشکیل خانواده یکی از خواسته‌های مهم بیشتر دختران امروز جامعه ماست. ازدواج دختران دارای معلولیت در بین مهاجران به ندرت اتفاق می‌افتد. این موضوع ابتدا به خانواده‌ها برمی‌گردد که ترس از طلاق و شکست دارند، دوم اینکه یک باور اشتباه وجود دارد که فرد دارای معلولیت حتماً باید با هم‌نوع خود یعنی یک معلول ازدواج کند که این موضوع محدودیت در انتخاب زیادی ایجاد می‌کند. دختران دارای معلولیت معمولاً به دلیل درک نشدن از سوی خانواده و تبعیض بین دیگر فرزندان به خودباوری نمی‌رسند. عزت نفس پایینی دارند و در جامعه حضور کمتری دارند.

مورد آخر بحث هویت و سلامت روان معلولان است. بحران فرد دارای معلولیت، از زمان تولد او آغاز می‌شود از زمانی که سؤال‌ها و کنجکاوی اطرافیان از والدین باعث رنجش خاطر می‌شود و اگر خانواده نتوانند مدیریت بحران کنند احساس گناه به بیچه منتقل می‌شود. متأسفانه خانواده‌هایی هستند که به دلیل نداشتن آگاهی کافی فرزند معلول را نشانه عذاب الهی و تاوان گناه می‌دانند، خوشبینانه‌ترین حالت ممکن این است که خود را در معرض امتحان الهی می‌بینند.

به‌ویژه در خانواده‌هایی که چند فرزند معلول دارند، این باور بیشتر است. این مسئله را بگذارید کنار فیلم‌ها و سریال‌هایی که شخصیت منفی یا تبهکار در انتها روی صندلی چرخدار نشسته است و گویی تاوان اشتباه خود را با نقص عضو یا معلولیت پرداخت کرده است. این در صورتی است که بیشتر معلولیت‌ها در جامعه مهاجر یا ژنتیکی یا حاصل زایمان نامناسب است. سلامت روحی معلولان همیشه زیر سایه معلولیت جسمی‌شان قرار می‌گیرد، اگر به مطب روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه کنید تقریباً هیچ‌کدام از مراجع‌کنندگان معلولیت ندارند. این به معنی آن نیست که افراد دارای معلولیت هیچ مشکل روحی، روانی ندارند. متأسفانه به این معناست افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان از این بُعد سلامتی غافل شده‌اند.



گزارشی از آماده‌سازی فرهنگ‌سرای علوم و نجوم در بوستان وحدت

شادی و نشاط را در سرزمین دانایی تجربه کنید

معماری رادکان، کتب علمی این دانشمندان، ادوات پزشکی در گذشته، اسطرلاب، داروهای گیاهی و خاصیت آن‌ها آشنا می‌شوند. غرفه دوم ویژه نجوم است. در این غرفه مخاطب با انواع تلسکوپ و کار با آن‌ها آشنا می‌شوند. بعد از بازدید از مجموعه مخاطبان می‌توانند با تلسکوپ مخصوص خورشیدی رصد خورشید را داشته باشند.

غرفه سوم غرفه شیمی، زیست، زمین‌شناسی و پزشکی را شامل می‌شود. در این غرفه بر اساس سن مخاطبان نکات موردنیاز به آن‌ها تعلیم داده می‌شود. از ویژگی‌های این غرفه اندازه گرفتن فشارخون، به دست آوردن تناسب بین قد و وزن برای مخاطبان است. آزمایش‌های جذاب شیمی در این غرفه انجام می‌شود که مورد استقبال زیاد دانش‌آموزان است. آشنایی با آناتومی بدن، شناخت کانی‌ها و سنگ‌های مختلف در طبیعت و فسیل‌ها از دیگر ویژگی‌های این غرفه است.

غرفه چهارم از غرفه‌های جذاب به ویژه برای کودکان است. این غرفه مخصوص بازی‌های فکری و ساخت رباتیک است. در این غرفه انواع بازی‌های فکری متناسب با گروه‌های سنی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. این غرفه به ایجاد و رشد خلاقیت کمک زیادی می‌کند. غرفه پنجم یکی دیگر از غرفه‌های جذاب این مجموعه است و شامل موتورهای برش خورده پژو ۲۰۶

رصد ستارگان و آسمان شب خواهد شد. در ادامه گزارشی از بازدید خبرنگار شهرآرامحله از مجموعه فرهنگ‌سرا در آستانه افتتاح علوم و نجوم را می‌خوانید و در پایان نیز گفت‌وگویی با مدیر این فرهنگ‌سرا خواهیم داشت.

شور و نشاط، رقابت و کنکاش را می‌توانی در بین تمام دانش‌آموزانی که برای بازدید اولیه به فرهنگ‌سرا مراجعه کردند ببینید، در هر غرفه‌ای که حاضر می‌شوند با دقت ابتدا به توضیحات کارشناس مربوط گوش می‌دهند و بعد از آن برای آزمایش کردن دستگاه یا وسیله مورد نظر در صف انتظار می‌ایستند. اینجا و در این لحظه می‌توانند هر آنچه را که به صورت تئوری در کتاب‌ها خوانده‌اند یا از دبیران و معلمان خود آموختند از نزدیک لمس و ارتباط بیشتری با آن برقرار کنند. ۸ غرفه با فضا و شرایط ویژه برای علاقه‌مندان به عرصه علم، فنون و نجوم طراحی شده است.

غرفه اول ویژه تاریخ علوم و علم کهن است. شرکت‌کنندگان در این غرفه با تاریخ علم در ایران و به طور خاص با تاریخ علم در خراسان آشنا می‌شوند. در کنار آن کارشناس به معرفی مشاهیر بزرگ علمی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و فردوسی می‌پردازد و آن‌ها را با خدماتی که آن‌ها به کشور و تاریخ علم ارائه دادند، آشنا می‌کند. اینجا دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به علوم کهن با مکان‌های تاریخی همچون برج قدیمی و اثر فاخر

اتفاق میمون و مبارکی است که مجموعه‌ای علمی و پژوهشی در بوستان قدیمی و کهنسال وحدت آغاز به

کار خواهد کرد. وجود چنین مجموعه‌هایی در سازمان‌ها و مؤسسه‌های تابع شهرداری بیش از پیش لازم و ضروری بوده است. فرهنگ‌سرای علوم و نجوم که مدتی را در مجموعه فرهنگ‌سرای سلامت گذرانده بود و از پشت‌بام این مجموعه برای برنامه‌های رصد خود استفاده می‌کرد بالاخره به ساختمان مرکزی بوستان وحدت منتقل شد تا در استقلال کامل برنامه‌های خود را پیش ببرد. برای ساکنان اطراف بوستان وحدت کاملاً مشخص است که مجموعه ساختمان مرکزی بوستان وحدت سال‌های سال بی‌هویت بود. مجموعه‌ای که در ابتدای تأسیس فرم جدید بوستان به صورت چند غرفه بود که کسی کاربرد آن را نمی‌دانست، حالا جایگاه خود را پیدا کرده و به مرکزی علمی، پژوهشی و رصدی تبدیل شده است. این منطقه با وجود دانش‌آموزان فعال و جوانان دانش‌پژوه همچنین دسترسی آسان مکان مناسبی برای انتخاب این فرهنگ‌سراست. افزون بر این نبود ساختمان‌های مرتفع در اطراف فرهنگ‌سرا باعث زاویه دید مناسب برای



این منطقه دانش‌آموزان فعال و جوانان دانش‌پژوه همچنین دسترسی آسان مکان مناسبی برای این فرهنگ‌سراست



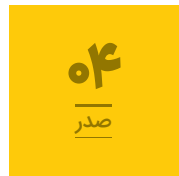
به قلم دوربین دریافتی

رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه خبر داد نصب پلاک افتخار به مناسبت هفته بسیج

بازدید از خانواده شهدا افزون بر قدردانی از زحمات آن‌ها باعث هویت بخشی به محله و ارج نهادن به مقام شهیداست. در این دیدار و رونمایی از پلاک افتخار رمضانعلی فیضی عضو شورای شهر و رئیس کمیسیون مناطق کم برخوردار، حسین عبد... زاده شهردار منطقه، علیرزاده معاون مالی و اداری، اعضای شورای اجتماعی محله امیرالمومنین (ع) و جمعی از مدیران و مسئولان شهرداری منطقه حضور داشتند و به نوبه خود از مقام شهیدان و خانواده ایشان قدردانی کردند.

پلاک افتخار شهید محمدرضا عظیمی و شهید حسین ناصری به مناسبت هفته بسیج، بر در منزل خانواده این شهدا نصب و رونمایی شد. محمد

سلطانی، رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه، هدف از این کار را زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهدا دانست و توضیح داد: نصب پلاک افتخار و



علمی و تاریخی همانند دانشگاه فردوسی، برج رادکان و... و همچنین اردوهای نجومی و علمی است. جلسه‌های علمی که هر دو هفته یکبار در فرهنگسرا برگزار می‌شود ویژه مخاطبان این باشگاه است. مسابقات مختلف علمی از جمله ساخت سازه‌های ماکارانی و موشک‌های آبی نیز برای اعضای این باشگاه انجام می‌شود. ■

مرتضی دبیران، مسئول فرهنگسرای علوم و نجوم، گفت: مخاطبانی که علاقه‌مند به شرکت در برنامه‌های فرهنگسرای علوم و نجوم هستند می‌توانند با ثبت نام در باشگاه علمی این فرهنگسرا به عضویت اینجادرآمده و از برنامه‌های مختلفی که در طول سال برای اعضا برگزار می‌شود، استفاده کنند. وی افزود: برنامه‌ها شامل بازدید از مکان‌های



در گفت‌وگو با مدیر دفتر تسهیل‌گری محله مهرآباد مطرح شد

ارتقای شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله

منطقه، طرح محله ما و پیگیری‌های دفتر توسعه اکنون تجهیز فوس‌های ورزشی و مناسب‌سازی زمین‌های عبادت ۱۳ و ۲۱ در حال انجام است. اولویت بعدی ساکنان که مربوط به امنیت زیرگذر مهرآباد می‌شد با پیگیری‌های انجام شده زیرگذر ورودی مهرآباد به روشنایی مجهز شد.

حسینی در ادامه افزود: فعالیت بعدی دفتر تسهیلگری که در طرح نجات قرار داشت، شناسایی افراد دارای مهارت فنی و معرفی آن‌ها به کمیته امام خمینی (ره) بود. کمیته امداد برای این طرح مبلغی به عنوان سرمایه کار در نظر گرفت و به افرادی که از سوی دفتر معرفی شدند و معیارهای لازم را داشتند، بودجه اختصاص داد تا بتوانند به تولید و ایجاد کارگاه‌های خانگی بپردازند. به پیشنهاد دفتر توسعه محله مهرآباد و همکاری اداره فرهنگی شهرداری منطقه ۵ شهر مشهد مسابقه نقاشی به مناسبت هفته وحدت، با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان گروه سنی ۷ تا ۱۱ سال با سیره اخلاقی و عملی پیامبر اعظم اسلام (ص) در محلات منطقه ۵ شهر مشهد برگزار و هدایایی به دانش‌آموزان تقدیم شد.

وی در پایان بیان کرد: افزون بر موضوع‌های مطرح شده باید به اطلاع خوانندگان برسانم که مهرآباد به عنوان یکی از محلات طرح نجات نیز محسوب می‌شود. این طرح زیر نظر استانداری خراسان رضوی و با عنوان جهاد اجتماعی شناخته می‌شود. با اجرای این طرح در مهرآباد ظرفیت دفتر تسهیلگری محله نیز افزایش پیدا می‌کند و می‌تواند با سازمان‌های بیشتری همکاری کند. ■

رویکرد بازآفرینی ایجاد شده است. سید مصطفی حسینی با بیان این نکته که محله مهرآباد اکنون جزئی از سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد است، توضیح داد: دفتر توسعه محله مهرآباد ضمن بهبود شرایط محیط محله و حرکت به سمت اصول شهرسازی نوین، ارتقای شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله را در صدر برنامه‌های خود دارد. بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله، پیش نیاز بهبود شرایط کالبدی است.

حسینی با اشاره به سرشماری سال ۱۳۹۵ بیان کرد: محله مهرآباد دارای ۲۲۸۶۵ نفر جمعیت و ۶۸۶۵ خانواده است. دفتر توسعه محله مهرآباد در تلاش است با شناخت مسائل و مشکلات مختلف محله مهرآباد و ارائه برنامه‌ها و اقدامات هدفمند براساس منابع و توانایی‌های بالفعل و بالقوه، ارزش‌ها و مشارکت‌های محلی گامی مؤثر در راستای بازآفرینی محله مهرآباد و دستیابی به توسعه پایدار محلی بردارد. براین مبنا دفتر توسعه محله مهرآباد امیدوار است با یاری ایزدمنان و در سایه حضرت امام رضا (ع) و مشارکت ساکنان محله گامی مؤثر برای تحقق این مهم بردارد.

وی با اشاره به برخی از فعالیت‌های این دفتر گفت: در مرحله اول به جمع‌آوری ظرفیت‌های محله از سوی کارشناسان دفتر پرداختیم. افزون بر این در گفت‌وگو با افراد محلی مسائل و مشکلات محله را نیز شناسایی کردیم. در این راستا طرح محله ما و اعضای شورای اجتماعی محله نیز با ما همکاری داشتند. یکی از دغدغه‌های ساکنان مهرآباد نبود زمین‌های ورزشی مناسب برای فرزندان و خانواده‌ها بود. با همکاری شهرداری

محله مهرآباد یکی از محلات پیرامونی و کم برخوردار منطقه ۵ شهرداری مشهد است. این محله به رغم اینکه جزئی از سکونتگاه‌های

غیررسمی شهر مشهد محسوب می‌شود، دارای سرمایه اجتماعی و روحیه مشارکت جمعی بالایی است که این امر را می‌توان در برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مذهبی ایام مختلف سال مشاهده کرد. با توجه به اینکه این محله دارای مشکلات و محرومیت‌های متعددی است از طرف سازمان بازآفرینی فضاهای شهری و شهرداری مشهد به عنوان یکی از محلات تأسیس دفاتر توسعه محلی انتخاب شد، هدف از راه‌اندازی دفاتر تسهیلگری، تمرکز بر محلات برای توانمندسازی مردم و شناسایی آسیب‌ها و پیگیری این مسائل از دستگاه‌های مربوط است. تسهیلگران در ارتباط با ساکنان محله و استفاده از ظرفیت‌های موجود و با کمک سازمان‌های مختلف به رفع مشکلات می‌پردازند. هفته گذشته با حضور در دفتر توسعه محلی مهرآباد گفت‌وگویی داشتیم با مدیر این دفتر، در ادامه گفت‌وگویی ما را می‌خوانید.

مدیر دفتر تسهیلگری محله مهرآباد، این دفتر توسعه محلی را زیر نظر سازمان بازآفرینی فضاهای شهری و شهرداری مشهد دانست و گفت: دفتر توسعه محله مهرآباد از اوایل مرداد امسال و به طور رسمی در تاریخ دهم شهریورماه فعالیت خود را آغاز کرد. این دفتر با هدف ارتقای کیفیت زندگی و برای تحقق شاخص‌های توسعه پایدار و توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی، محیطی با

۳
عطایی
دبیر شهرآرامحله



و ۴۰۵ می‌شود. با روشن شدن این موتورها مخاطبان با روند کارموتور، گیربکس، جعبه دنده و کلاچ بیشتر آشنا می‌شوند و از نزدیک کارکرد آن را می‌بینند. غرفه ششم غرفه آزمایش‌های فیزیک است. آزمایش روی گوی‌های مغناطیسی، دانش‌آموزان را با انواع حرکت و نوسانات آشنا می‌کند. در این غرفه مخاطبان با نحوه تولید برق به وسیله دوچرخه و استفاده بهینه از انرژی و استفاده از لامپ‌های کم مصرف و پر مصرف بیشتر آشنا می‌شوند. در غرفه هفتم که به غرفه تالار نور و آئینه معروف است، مخاطب با مباحث صوت، زمان و نور به صورت عینی و با قرارگرفتن در پشت دستگاه‌ها، آئینه‌ها همچنین تفنگ لیزری آشنا می‌شوند. غرفه هشتم مربوط به نمایش فیلم‌های مستند علمی و آموزش‌های شهروندی است. در سینما دانش با مفاهیم شهروندی از جمله ترافیک، آلودگی هوا، حفظ محیط زیست و اخلاقیات اجتماعی آشنا می‌شوند. مسئول فرهنگسرای علوم و نجوم در پایان این بازدید و در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرامحله گفت: یکی از ویژگی‌های تور علمی این فرهنگسرا، فضای تعاملی آن است. دانش‌آموزان از پشت شیشه با یک مبحث علمی آشنا نمی‌شوند، بلکه از نزدیک روی مسئله مورد نظر کار و روی آن کاوش می‌کنند. مرتضی دبیران هدف از انجام این تور را آموزش در کنار ارتقای فرهنگ دانست و توضیح داد: زمانی مخاطب مبحثی را می‌آموزد که قبل از آن نیاز آن را درون خود احساس کند و با فرهنگ مصرفی آن آشنا شود، در کنار تولید انرژی باید با مبحث مصرف و نگهداشت آن نیز آشنا شد. ■





پای در ددل مادرانی که

مادر بودن برای کودکان

گل دفتر

۵۶

عطایی-صدر

فردا روز جهانی معلولان است، تمام نشریات و خبرگزاری‌های کشور به یک‌باره سراغ این قشر مظلوم می‌روند و جویای احوالشان می‌شوند. به روال معمول اتفاقات رسانه‌ای و مردمی کشورمان، موجی برمی‌خیزد و غلغله‌ای می‌شود ولی به همان سرعتی که داغ شده است، خاموش می‌شود و می‌رود تا سال دیگر که



سرویس داشتند و رفت‌وآمدشان خیلی راحت بود ولی مدت کلاس‌ها کم بود. بچه‌ها تازه عادت کرده بودند خواب و خوراکشان با برنامه مهد هماهنگ باشد که کلاس‌ها تمام شد. بچه‌ها تازه با شرایط و مهد اخت شده بودند، هر روز خودشان بیدار می‌شدند و انتظار داشتند بعد از این ۴ ماه دوباره به مهد بروند ولی دیگر نمی‌شد و مهدکودک از آن به بعد پولی بود و آن هم ماهی ۸۰۰ هزار تومان. نتیجه این کلاس‌ها خیلی خوب بود. با اینکه همین آموزش‌ها را مادران در خانه به کودکانشان می‌دهند ولی بچه‌ها در جمع دوستانه و هم‌سن و سال خودشان دریافت بیشتری از آموزش‌ها دارند. بعد از کلاس‌ها هر وقت به امیرحسین می‌گفتم دست بزن این کار را می‌کرد در حالی که قبل از آن این‌طور نبود. بعد از کلاس‌ها هر وقت تلویزیون برنامه کودک نگاه می‌کرد همراه با بقیه بچه‌ها عکس‌العمل نشان می‌داد، می‌خندید و با آهنگ‌های شاد کودکانه دست می‌زد. کاملاً حس شادی و هیجان را در آن مدت درک کرد. بعد از این ۴ ماه هر بار او را به دم در می‌بردیم، به سمت دهمپایی‌اش می‌رفت و فکر می‌کرد سرویس دنبالش آمده است ولی متأسفانه همان ۴ ماه بود.»

● دوران طلایی آموزش معلول ذهنی

خانم شریفی می‌افزاید: «زمانی که امیرحسین به مهد می‌رفت چهارساله بود. این بچه‌ها یک دوران طلایی برای آموزش دارند و اگر در این مدت آموزش‌های لازم را نینند دیگر فرصت آموزش را از دست می‌دهند. دوران طلایی این کودکان از ۷ تا ۱۰ سالگی است. بعد از آن یادگیری کند و به صفر نزدیک می‌شود و دیگر آموزش‌ها به آن‌ها کمک نمی‌کند و همان‌طور که هستند می‌مانند.»

● تغییر در منازل

به جز خانم رحیمی بقیه مستأجر هستند و برای جابه‌جایی خانه با بچه‌ها کلی مشکل دارند به هرخانه جدیدی که می‌روند باید کلی تغییرات در خانه ایجاد کنند تا برای بچه‌ها مشکلی به وجود نیاید. خانم شریفی می‌گوید: «باید جلوی در آشیزخانه با وسایل مختلف مهار ایجاد کنیم، در اتاق‌ها و در خروجی گیره بگذاریم تا نتواند در را باز کند و به بیرون برود. به هر خانه‌ای که می‌رویم یک جوشکار می‌آوریم تا بست اصلی را بالا بزند تا فقط دست خود ما برسد و بچه‌ها نتوانند در را باز کنند. پرزهای برق را از پایین باز می‌کنیم و بالاتر می‌زنیم تا بچه‌ها دچار برق گرفتگی نشوند. برای سرویس‌های بهداشتی میله نصب می‌کنیم تا نتوانند در را باز کنند و با آب داغ بسوزند. متأسفانه پای یکی از بچه‌های معلول همین‌طور سوخت. خودشان متوجه نمی‌شوند چه کارهای خطرناکی ممکن است انجام دهند. به بچه‌ها می‌گوییم دست به قابلمه روی گاز نزن خطرناک است به جای آن لب‌هایش را به قابلمه می‌زند و فکر می‌کند ایرادی ندارد. نمی‌توان لحظه‌ای از آن‌ها چشم برداشت. درحالی‌که بچه‌ها این موارد را در مهدکودک‌ها می‌آموزند و می‌شود جلوی بسیاری از خطرهای را با آموزش گرفت. متأسفانه خردمان هم پول ثبت‌نام کلاس‌های بچه‌ها را نداریم. همسرانمان کارگر هستند، خانه نداریم و اجاره‌نشین هستیم و هزار و یک مشکل مالی که به ثبت‌نام بچه‌ها نمی‌رسد. به دلیل هزینه‌های کاردرمانی و فیزیوتراپی نمی‌توانیم بچه‌های دیگرمان را به

● محروم از تحصیل و درمان مناسب

جمعی از مادران در مؤسسه «باور سبز» جمع شدند و منتظر ما هستند تا گفت‌وگویمان را شروع کنیم. در ابتدا آقای عبدی، مسئول باشگاه «باور سبز» فرصت را غنیمت می‌شمرد و از مشکلات این عزیزان می‌گوید: «بخشی از مشکلات این مادران مربوط به تهیه دارو بعد از تحریم‌ها، صادر نشدن دفترچه بیمه برای بیماران مهاجر، هزینه‌های بالای درمان، نبود مرکز بهزیستی و کاردرمانی و فیزیوتراپی می‌شود. این بچه‌ها از تحصیل و درمان‌های مناسب محروم هستند و هیچ امکاناتی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. تعدادی از آن‌ها آموزش‌پذیر هستند و تعدادی تربیت‌پذیر ولی فضایی نیست که خانواده‌ها بتوانند فرزندانشان را به آنجا بفرستند. برخی از مراکز نیز که به خانواده‌ها معرفی می‌شود فاصله زیادی با گلشهر دارد و هزینه‌های آن بسیار سنگین است. از طرفی به مهاجران گواهی‌نامه نمی‌دهند تا کسانی که خودرو یا موتور دارند با وسیله نقلیه خودشان بچه‌ها را به مراکز درمانی ببرند.»

● مشکل سوار اتوبوس شدن

بعد از صحبت‌های آقای عبدی سراغ خانم معصومه اسحاقی می‌رویم که ۳ فرزند دارد. فرزند اول و آخرش موسی و نجمه دارای معلولیت هستند. او می‌گوید: «۴۵ هزار تومان ویزیت و ۳۰ هزار تومان هزینه رفت و آمدمان به فیزیوتراپی و کاردرمانی می‌شود. تازه این نرخ هلال احمر است. ویزیت فیزیوتراپی و مراکز درمانی آزاد که سر به فلک می‌زند. مرکز هلال احمری که فرزندم را می‌برم در نخریسی است و کرایه خودرو تا آنجا هم بالاست. اتوبوس‌ها اجازه نمی‌دهند فرزند معلولمان را با ویلچر سوار اتوبوس کنیم. راننده‌ها می‌گویند «ویلچر جای یک نفر را می‌گیرد. کسی که فرزند معلول دارد باید با خودرو شخصی تردد کند.» تا الان هم دوبار موتور همسرم را گرفتند و دیگر دنبالش نرفتیم چون مهاجر بود و گواهی‌نامه نداشت.»

● ون‌ها و افراد ویلچری

خانم معصومه شریفی مادر ۵ فرزند که فرزند آخر او امیرحسین ۸ سال معلولیت دارد هم وقتی صحبت به اتوبوس‌ها می‌رسد، داغ دلش تازه می‌شود و می‌گوید: «اول از همه اینکه برای اینکه کودکانمان را به کلاس کاردرمانی و گفتاردرمانی ببریم باید مسیر طولانی را تا رسیدن به اتوبوس پیاده طی کنیم. از شلوغی اتوبوس که بگذریم باید برای سوار شدن از چند نفر درخواست کمک کنیم تا ویلچر فرزندمان را سوار یا پیاده کنند. بارها در برف و باران ماندم و همین باعث شده است بچه‌ها بیمار شوند. وقتی تصمیم می‌گیریم با ون برویم اصلاً اجازه نمی‌دهند فرد معلول و ویلچری را سوار کنیم.»

● دوره عالی ولی کوتاه

شریفی ادامه می‌دهد: «سازمان ملل حدود ۴ ماه فرزندنمان را در مهدکودک ویژه بچه‌هایی مثل خودش ثبت‌نام کرد. مهدکودک چهارراه‌لشکر بود و کلاس‌ها تجربه خوب و شیرینی برای بچه‌ها به همراه داشت. محل کلاس‌ها متناسب با محل زندگی نیست و بستگی به شانس هر خانواده دارد که مهد نزدیک خانه‌اش باشد یا نه، برای فرزند من در چهارراه‌لشکر بود با این حال آن ۴ ماه بچه‌ها



دانشگاه بفرستیم یا آن‌ها را در کلاس‌های هنری و ورزشی ثبت‌نام کنیم.»

● گرفتاری تمام افراد خانواده

خانم شریفی ادامه می‌دهد: «خانواده معلولان مشکلات زیادی دارند که اگر به صورت عمیق وارد آن شوید، فقط با فکر کردن به آن‌ها دیوانه می‌شوید. در واقع فقط یک فرد معلول نیست بلکه تمام افراد خانواده درگیر معلولیت می‌شوند. سال گذشته بود که پسر خود من تیر خورده بود و تمام اعضای خانواده مجبور بودیم مواظب باشیم. پاییز و زمستان نمی‌توانیم با بچه‌ها بیرون برویم، اگر یک شب بچه‌ها تشنج کنند تمام زحمات این چند سال ما بر باد می‌رود. بعضی از سازمان‌ها یا مراکز خیریه و بین‌المللی سمت دیگر شهر می‌گویند دو یا چند جلسه برایتان فیزیوتراپی به صورت رایگان می‌دهیم ولی چون ماشین و سرویسی نیست به رفتن نمی‌ارزد و آن چند جلسه هم دردی از بچه‌ها دوا نمی‌کند. تازه باعث سرماخوردگی یا تشنج بچه‌ها هم می‌شود.»

● مراقبت ۲۴ ساعته

او می‌افزاید: «باورکنید خواب و خوراک نداریم. خانواده‌هایی که فرزند معلول ذهنی دارند باید ۲۴ ساعته حواسشان به بچه باشد. یک لحظه می‌بینید از جای خود بلند شدند و شیر گاز را باز کردند و همه خانواده دچار مرگ خاموش می‌شوند. شب‌ها یک لحظه خواب به چشم‌های ما مادران نمی‌آید یا با کمترین صدا و سرفه‌ای

بیدار می‌شویم. یک شب نزدیک بود هفت نفرمان بمیریم با صدای پیچ گاز از خواب بیدار شدم و دیدم امیرحسین بخاری را خاموش کرده و گاز همه‌جا پخش شده بود. در و پنجره‌ها را باز کردم تا گاز خارج شد خدا کمک کرد در غیر این صورت همه مرده بودند. شب‌ها خواب ندارم و صبح‌ها که می‌دانم کسی هست تا چند ساعتی مواظب امیرحسین باشم می‌خواهم. بارها شده به دوستان، همسایه‌ها و فامیل گفتم روزی یک‌بار با ما تماس بگیرند تا اگر مرده بودیم از مرگ ما باخبر شوند.»

● لزوم حضور بیماران فلج مغزی در اجتماع

خانم کبری رحیمی ۳ فرزند دارد و ابوالفضل پسر آخرش معلول است. او می‌گوید: «ابوالفضل یک‌ساله بود که تشنج گرفت و دچار سی‌پی‌شد، ابوالفضل اوتیسم و سی‌پی‌را با هم دارد. چند سال اول ابوالفضل را پیش دکترهای مختلف می‌بردیم و درمان فیزیوتراپی و کاردرمانی‌اش را شروع کردیم ولی به مرور از پس هزینه‌ها بر نیامدیم، همسرم گچ‌کار است و حقوقش کفاف این خرج‌ها را نمی‌دهد.»

رحیمی تازه به جمع این مادران پیوسته و هنوز از سوی این گروه همدرد به آرامش بیشتر نرسیده است. هنوز بیماری فرزند ناراحت و درمانده‌اش می‌کند. اشک در چشمانش حلقه می‌زند و می‌گوید: «بیشتر بچه‌هایی که سی‌پی‌دارند، به مرور زمان دچار اوتیسم هم می‌شوند. در صورتی که بچه‌های سی‌پی‌ی‌ها همان فلج مغزی اگر در اجتماع باشند و آموزش‌های لازم را ببینند دچار اوتیسم نمی‌شوند. بچه‌های سی‌پی‌ی‌ها نباید تنها بمانند و باید از همان دوران کودکی به

فلج مغزی یک نارسایی است که با تأثیر گذاشتن بر سیستم مغز و اعصاب، باعث ایجاد ناتوانی فیزیکی برای فرد می‌شود. این شرایط می‌تواند ناتوانی محدود یا کامل عضلات را برای بیمار به همراه داشته باشد. آسیب مغزی معمولاً قبل، حین، یا به فاصله کوتاه پس از تولد نوزاد ایجاد می‌شود و در نهایت می‌تواند ناتوانی زیادی را برای فرد تا پایان عمر از تولد نوزاد ایجاد کند.

ایجاد کند. فلج مغزی در برخی کودکان ممکن است ناتوانی‌های حرکتی و نارسایی‌های مغزی ایجاد کند. از این نظر معمولاً ۳ نوع فلج مغزی به شرح زیر وجود دارد: فلج مغزی اکتسابی یا اسپاستیک، فلج مغزی آتوتوید و فلج مغزی بی‌قاعده یا آتاکسی. فلج مغزی و بیماری تشنج شامل سفت شدن عضلات و ایجاد مشکلات حرکتی برای فرد است.

فرزند فلج مغزی دارند

کسی که بزرگ نمی‌شوند

دوباره ۱۲ آذر شود و روز معلولان. ما در یک سال گذشته گاه و بیگاه گزارشی از وضع معلولان یا گفت‌وگویی با این عزیزان داشته‌ایم و گزارش روز جهانی معلولان را از زاویه دیگری تهیه کردیم. این بار سراغ مادرانی آمده‌ایم که فرزندشان معلول به دنیا آمده است. آمدیم تا دنیای آن‌ها را ببینیم و از مشکلات آن‌ها بنویسیم تا شاید گوشه بشنود.



تا خودمان کاسی کنیم و او هم با دلخوری از خانه خارج می‌شود و دیگر کمکی نمی‌کند. به خانه که می‌آیند می‌گویند تو چرا فرش یا تلویزیون داری یا داخل یخچال را نگاه می‌کنند و می‌گویند شما گوشت دارید و نیازی به کمک ندارید. فکر می‌کنند ما غرور و آبرو نداریم. برخی خیرها انتظار دارند خانه‌های ما هیچ چیز نداشته باشد تا دلشان بیاید و کمکی بکنند بعد هم کمکشان تا چند وقت به داد بچه‌های ما می‌رسد یک یا چند جلسه فیزیوتراپی و کاردرمانی آن‌ها می‌شود؟»

گوشی دارد پس ویلچر لازم ندارد

سکینه احمدی که ۳ فرزند دارد و دخترش فاطمه معلول است در ادامه صحبت‌های خانم شریفی می‌گوید: «یک بار یکی از خانم‌ها درخواست ویلچر برای فرزندش کرد. خیر در فریزر خانه آن‌ها گوشت پیدا کرد و بعد گفت کمک ما شامل شما نمی‌شود. خانم که علت را پرسیده بود گفته بودند شما گوشت دارید و کمک ما شامل شما نمی‌شود. خانم هم گفته بود از شما درخواست غذا و گوشت نکرده بودم ویلچر برای فرزندم می‌خواستم.»

آقای عبدی می‌گوید: «برای همین مورد توانستیم از طریق خیران مؤسسه یک سال هزینه کاردرمانی فرزندش را پرداخت کنیم و ویلچر هم برایش خریدیم.» خانم احمدی هم می‌گوید: «ما از خیران و مسئولان غذا و لباس و... نمی‌خواهیم. می‌خواهیم یک مهد کودک و مرکز درمانی احداث کنند تا آنجا بچه‌ها سرشان گرم باشد و کمی پیشرفت کنند. از آن‌ها سرویس رفت‌وآمد می‌خواهیم.»

مهد بروند در این صورت می‌توان آن‌ها را به مدارس استثنایی فرستاد ولی چون کودکان ما آموزش‌های اولیه را در کودکی دریافت نکردند الان در مدارس استثنایی هم پذیرش نمی‌شوند. بچه‌های مهاجر هیچ امکاناتی ندارند. بچه‌های ایرانی را بهزیستی حمایت و به آن‌ها کمک مالی می‌کند. سرویس رفت‌وآمد دارند. اگر می‌خواستیم بعد از آن ۴ ماه که سازمان ملل بچه‌ها را به مهد فرستاد، آن‌ها را در مهد ثبت‌نام کنیم باید ۸۰۰ هزار تومان شهری به می‌دادیم در حالی که بچه‌های ایرانی ۲۰ درصد این مبلغ را پرداخت می‌کردند و بقیه آن را بهزیستی تقبل می‌کرد. ضمن اینکه بهزیستی برای پوشک و بسیاری موارد دیگر این خانواده‌ها را حمایت می‌کند. درست است که ما صاحبخانه هستیم ولی همین باعث شده است تا خیران کمکی به ما نکنند.»

رفتار نادرست برخی خیرها

وقتی درباره خیران و اینکه توانستند کسی را برای کمک جذب کنند، می‌پرسیم، خانم شریفی می‌گوید: «اکنون برخی خیران تا به خانه نیایند و دارایی ما را واریسی نکنند، کمکی نمی‌کنند. پیش آمده خیریه به خانه ما آمده و گفته است که فرش دارید و باید فرش زیر پایتان را بفرشوید و خرج فرزندتان کنید. به فرض که آن را هم بفرشویم هزینه یک ماه کلاس فرزندمان می‌شود، نه بیشتر. تازه خیلی وقت‌ها همان فرش و یخچالی که در خانه است خیری دیگری به خانواده‌ها کمک کرده است تا وقتی بچه‌ها راه می‌روند پایشان روی فرش باشد و اذیت نشوند. وقتی هم دوباره به خانه ما بیاید و فرش را نبیند فکر می‌کند فروختیم»

ما هیچ دفترچه بیمه‌ای نداریم که هزینه‌ها برای ما جبران شود. خیران پولی به ما ندهند خودشان هزینه مهد و مراکز را بدهند و بگویند چه زمانی بچه‌ها را به این مراکز ببریم.»

اجازه نمی‌دهد

از آن‌ها می‌پرسیم آیا می‌توانند دسته‌جمعی خانه‌ای را اجاره کنند و کاردرمان برای فرزندانشان بیآورند؟ خانم شریفی می‌گوید: «اجازه نمی‌دهند و می‌گویند شما با کدام مجوز یک مرکز ایجاد کردید، شما آموزش ندید در حالی که ما سال‌هاست داریم با این بچه‌ها کار می‌کنیم و حالا خودمان هم تبحر داریم. خیلی وقت‌ها شده است آمار و اطلاعات دورهم جمع‌شدنمان را هم گزارش کردند.»

آقای عبدی ادامه می‌دهد: «این مراکز تجهیزات خاص خود را می‌خواهد با اینکه آن‌ها را به وسیله خیران تهیه کردیم و دکتر متخصص هم داریم و می‌توانیم کاردرمانی و فیزیوتراپی رایگان داشته باشیم ولی دولت اجازه تأسیس این مراکز را به ما نمی‌دهد.»

فرشته رضایی که تازه به جمع ما اضافه شده است نیز می‌گوید: «دلایل منطقی و پزشکی بی‌شمار می‌آورند که امکان تأسیس مرکز وجود ندارد. ضمن اینکه بیشتر این مراکز کاردرمانی یک پزشک دارند و بقیه کارآموز هستند که بعضی از آن‌ها چند سال سابقه کار دارند ولی همان هزینه‌ای را به آن‌ها پرداخت می‌کنیم که به دکتر می‌دهیم. در یک سالی که خودم کاردرمانی می‌رفتم یک بار هم با خود پزشک کاردرمانی روبه‌رو نشدم.»

بچه‌های مهاجر حتی کارت معلولیت ندارند

بی بی رحیمه موسوی ۳ فرزند دارد و فرزند دومش فاطمه سادات معلول است. پسر دیگرش که یک سالی از فاطمه بزرگ‌تر است، همراه اوست. خانم موسوی می‌گوید: «یکی دیگر از مشکلات ما حسادت فرزندان دیگرمان است. بارها پیش آمده است وقتی فاطمه را بغل کردم و بوسیدم به سراغم آمده و می‌گوید ماما مرا هم دوست داری؟ ما مجبور هستیم در تمام مدت مواظب فرزندان معلولمان باشیم. وقتی کلاس و مرکزی نیست تا چند ساعتی از آن‌ها پرستاری و مراقبت کند دیگر زمانی برای فرزندان سالم خود نداریم و آن‌ها هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و فکر می‌کنند تمام توجه ما سمت فرزندان معلولمان است. بچه‌های مهاجر حتی کارت معلولیت ندارند، در حالی که ۲ روز وقت می‌گذاریم تا برگه معرفی به ما بدهند ولی هیچ کارتی برای ما صادر نمی‌شود.»

نبود اتوبوس مناسب در گلشهر

فرشته رضایی می‌گوید: «اگر مرکزی برای این بچه‌ها مشخص شود و مثل دیگر قسمت‌های شهر اتوبوس‌های ویژه توان‌یابان در گلشهر یا دیگر محلات حاشیه شهر رفت‌وآمد کند این بچه‌ها هم می‌توانند به مراکز درمانی بروند و حال و روزشان بهتر شود. بارها شده دوستانمان در قاسم‌آباد یا قسمت‌های دیگر شهر از این اتوبوس‌ها استفاده کرده‌اند البته زمان آن‌ها هم مشخص نیست.»

درخواست از خیران مدرسه‌ساز

آقای عبدی می‌گوید: «در مشهد خیران مدرسه‌ساز داریم، ای کاش آن‌ها حرف ما را بشنوند و به این محلات بیایند و مدرسه‌ای ویژه بچه‌های معلول ذهنی و جسمی بسازند.»

نیاز بچه‌ها به این فضاها بالاست. روز به روز آمار معلولان بیشتر می‌شود. بیشتر افراد معلول در حاشیه شهر زندگی می‌کنند با یک آمار سرانگشتی متوجه این قضیه خواهید شد. نیاز است که مراکز آموزشی و درمانی ویژه معلولان در این بخش شهر ایجاد شود و کلاس‌ها و پروژه‌های درمانی در دسترس آن‌ها باشد. برای بچه‌ها مهد درست شود تا در کنار دوستانشان و همراه با آن‌ها آموزش ببینند.»

تشنج نوزادان با بزرگ‌ترها متفاوت است

از مادران می‌پرسیم که آیا به مادران و دختران جوان که می‌شناسند آموزش و اطلاع‌رسانی کردند تا دچار این مشکلات نشوند یا فرزند معلولی به دنیا نیآورند؟ خانم شریفی می‌گوید: «بعضی وقت‌ها که فرصتی پیدا می‌شود و می‌توانم به جلسه دعا یا قرآن بروم برای مادرها و خانم‌های مجلس صحبت کردم که چگونه مواظب فرزندان خود باشند یا اگر دچار تشنج شدند او را سریع‌تر به مراکز پزشکی ببرند. تشنج نوزادان با بزرگ‌ترها متفاوت است و به خوبی مشخص نمی‌شود باید به پزشک متخصص مراجعه کنند، بعضی تب‌ها درونی است و پزشک عمومی متوجه این نوع تب‌ها نمی‌شود. اگر همان اول هزینه کنند می‌شود جلوی فلج اطفال را گرفت ولی اگر این کار نشود بعد از آن باید با سختی‌های زیادی دست و پنجه نرم کنند.»

مشکلات زایمان

خانم شریفی می‌گوید: «بیشتر بچه‌هایی که در حاشیه شهر دچار معلولیت ذهنی یا جسمی شدند به دلیل نبود پزشکان یا پرستاران خوب است. زمان زایمان مادر را روی تخت زایمان نمی‌برند و در حال صحبت با هم هستند به زایمان که نزدیک می‌شود با همان حال بلندت می‌کنند و به روی تخت زایمان می‌برند در حالی که فشار زیادی به بچه تحمیل می‌شود. خیلی وقت‌ها دیر زایمان می‌کنند یا منتظر زایمان طبیعی هستند و این باعث می‌شود فشار مادر بالا برود و اکسیژن به بچه نرسد. اگر جامعه‌ای می‌خواهد بچه‌های سالمی داشته باشد باید پزشکان و پرستاران خوبی تربیت کند به نوع جامعه اسلامی و غیراسلامی یا ایرانی و افغانستانی آن هم کار ندارم. معلولان فقط برای خانواده‌ها مشکل‌ساز نیستند بلکه جامعه و کشور درگیر آن‌ها می‌شوند. یک مادر از زمان بارداری تا پایان وضع حمل باید تحت نظر پزشک و مراقبت‌های ویژه در صورت نیاز باشد.»

هزینه آزمایش‌های غربالگری بسیار بالاست

اولین فرزند زهرا رحمانی یعنی ابوالفضل دچار معلولیت است. خانم رحمانی یکی از مادرانی است که دچار فشارخون بالای زایمان شده و فرزندش معلول به دنیا آمده است. او می‌گوید: «شب بود که به بیمارستان مراجعه کردم و پزشک نبود تا رسیدن آن‌قدر فشارم بالا رفته بود که به کمارفتم و اول خودم را احیا کردند. به همسرم گفته بودند یا همسرت می‌میرد یا فرزندت و همسرم گفته بود هر دو را می‌خواهم. بعد از احیا، فرزندم معلول به دنیا آمد. بعد از آن هم یک دختر به دنیا آوردم که همراه با هزار نذر و نیاز، استرس و انواع آزمایش‌های مختلف ژنتیک و غربالگری خوشبختانه سالم به دنیا آمد. هزینه این آزمایش‌ها بسیار بالاست و بیشتر خانواده‌های این منطقه توان پرداخت این هزینه‌ها را ندارند.»





گفت‌وگو با جوان مهاجر که به دلیل بیماری دیابت معلول شده است

گذرنامه دارم و کسی کمک نمی‌کند

هم محلی

تا قبل از اینکه بیمار شود در معاملات مسکن، انگشترسازی و به عنوان ویزیتور فعالیت می‌کرد و پولی برای خرجی به خانه می‌آورد اما بعد از بیماری هم نتوانست جایی کار کند. می‌گوید: «پاهایم ضعیف شده است و آن‌ها را احساس نمی‌کنم. چند سال پیش هم پدرم بیمار بود او را بلند کردم و مهره کمرم جابه‌جا شد و دیسک کمر دارم با این وضع دیگر نمی‌توانم کار کنم.» پدرش کنار ما دراز کشیده است و بیش از ۷۰ سال سن دارد. عباس می‌گوید: «تعدادی هم انگشتر از سال‌های قبل دارم که کم کم آن‌ها را می‌فروشم و خرج می‌کنم. بعضی وقت‌ها مرکز بهداشت معرفی‌نامه‌ای به دکترها می‌نویسد تا من را برای ویزیت کردن قبول کنند.»

با توجه به شرایطی که داشته ازدواج نکرده است و ترسیده که همسرش هم دچار بیماری شود. می‌خواهد بداند جایی هست که از او مراقبت کنند و نگهداری‌اش را برعهده بگیرند یا کسی باشد که از لحاظ مالی کمک حالشان باشد تا خرج و مخارج درمانش تأمین شود. آقای رضایی می‌گوید: «از زمانی که بیمار شدم پدر و مادرم هر روز ضعیف‌تر و دردمندتر شدند. زمانی که بیرون می‌روم تا وقتی برگردم نگرانم هستند. دو، سه باری شده که بیرون غش کردم و کسی مرا به خانه آورده است. تا الان خیری به من کمک نکرده است و تنها با سازمان‌های بین‌المللی صحبت کردم که آن‌ها هم کمکی نکردند.»

او می‌گوید: «بهبودیافتگان، سازمان ملل، پزشکان بدون مرز و بهداشت به دلیل گذرنامه مرا قبول نمی‌کنند و می‌گویند باید کارت داشته باشم. امیدوارم یکی از این مراکز مرا قبول کند و تحت درمان قرار بگیرم. عفونت‌هایم خوب نمی‌شود و نسبت به قبل گودتر شده است.»



با خودمان گفتیم که لایه‌لای گزارش‌های معلولان سراغ کسی برویم که به دلیل مشکل، بیماری یا سانحه‌ای معلول شده است تا این عزیزان هم فراموش نشوند. برای همین با معرفی آقای موسوی، مسئول باشگاه معلولان غدیر در شفیع، سراغ عباس آمدیم. عباس رضایی متولد سال ۱۳۶۲ در برازگان افغانستان است. از سال ۶۶ به ایران آمدند. دو برادرش فوت کردند. برادر دیگرش انگلستان

بیمار است و خواهرانش به دلیل گرسنگی و جنگ در افغانستان فوت می‌کنند. آقای رضایی می‌گوید: «۹ سال پیش به دلیل یک دانه کوچک پشتم به دکتر رفتم. یک پیرمرد بود گفت «یک خمیر با کمی شیر خشک روی آن بگذار تا باز شود» سرش به سختی باز شد و بعد از یک هفته عفونتش خارج شد. دکتر که آن را دید گفت «شما قند داری و قند هم درمان ندارد و فقط می‌توانی آن را کنترل کنی» از همان داروها استفاده کردم و پیش متخصص رفتم. ولی افاهه‌ای نکرد.»

یک سال اول با مصرف داروهای گیاهی و تجویز پزشک قندش را تا مرز ۴۰۰ کنترل می‌کند. آقای رضایی می‌گوید: «با این حال سوی چشم‌هایم داشت از بین می‌رفت می‌گفتند آب مروارید داری و باید عمل کنی ولی هزینه آن را نداشتم. دوباره به یک متخصص که در بهداشت بود خودم را نشان دادم، پاهایم بی‌حس شده بود، دکتر گفت باید نوار عصب تهیه کنی ولی پولی نداشتم که برای نوارعصب هزینه کنم. باید به فیزیوتراپی می‌رفتم.» بدنش همیشه سرد است. آقای رضایی می‌گوید: «به علت قند بالا دچار مشکلات متعدد هستم. معده‌ام غذا را نگه نمی‌دارد و با کوچک‌ترین اتفاق بدنم زخم می‌شود. زخم‌ها خوب نمی‌شود و مدام عفونت می‌کند. دکتر غدم در بیمارستان امام رضاع) برایم دارو تجویز کرد و گفت «اگر با این داروها بهتر شدی که هیچ و گر نه به پزشک عفونی مراجعه کن» زخم‌ها قبلاً بدتر از این بود. با داروهای چرک خشک کن الان حال و روز بهتری دارم. انسولین هم دیگر جوابگو نیست.»

به دلیل مشکلات مالی هر ۷۰ ساعت یک بار انسولین می‌زند تا هزینه‌هایش مدیریت شود. هر ماه نزدیک به ۴۰۰ هزار تومان هزینه انسولین دارد و از پس پرداخت آن بر نمی‌آید: «به هر جا مراجعه می‌کنم کسی پاسخی به ما نمی‌دهد و می‌گویند گذرنامه دارید و نمی‌توانیم خدماتی به شما بدهیم. زمانی که پدرم به ایران آمد گفته بودند قانون جمهوری اسلامی ایران به این صورت است که بعد از ۵ سال اقامت شناسنامه دریافت می‌کنیم اما بعد از ۳۰ سال هنوز خبری نیست. اوایل کارت اتباع داشتیم ولی آن را دادیم و گذرنامه گرفتیم هیچ دولتی هم شرایط ما را قبول نمی‌کند. برادرم که در انگلستان هست نیز کمردرد دارد و نمی‌تواند کمرش را تکان دهد.»



بهبودیافتگان، سازمان ملل، پزشکان بدون مرز و بهداشت به دلیل گذرنامه مرا قبول نمی‌کنند



ما در یادداشت چند شماره قبل درباره کارتن خوابها و لزوم حمایت و جمع آوری آنها در گرم خانه‌ها صحبت کردیم. سرمای چند شب در هفته گذشته باعث بروز اتفاقات ناگواری شد. اتفاقاتی که نمی‌توان به راحتی از کنار آنها گذشت. سه‌شنبه هفته گذشته بود که مطلع شدیم فردی در نزدیکی دفتر شهرآرا محله خودش را

حلق آویز کرده است. زمانی که به محل حادثه رسیدیم جنازه هنوز به درخت وصل بود. فرد فوت کرده اهل همدان و با توجه به مشخصاتش دختری هم داشت. ضرورت دارد تا شهرداری و تمام سازمان‌های مرتبط با این مقوله هرچه سریع‌تر برای چاره‌گشایی آن اقدام کنند نه تنها سرکوب و پاک کردن صورت مسئله!

گزارش برنامه ورزشی در صبح جمعه پاییزی

پرواز بادبادکها به سمت خورشید

در محله

۵۹
صدر

هنوز آفتاب روز جمعه آن قدرها بالا نرفته که پسر و دختر قد و نیم‌قد خودشان را به بوستان گل آرا نزدیک مجموعه چند منظوره ورزشی گلشن در انتهای شفیعی رساندند. از چند روز قبل خیرش را دارند که شهرداری منطقه و پایگاه شهید فعال صنعتی شهرداری می‌خواهد به مناسبت هفته بسیج مسابقه پرواز بادبادکها را برگزار کند. به همین دلیل در جمع کودکان و دوستانه‌شان حاضر شدیم تا گزارشی از مسابقه رنگی، پرهیجان و شادشان تهیه کنیم.



از آغاز بهار تا پایان پاییز، فصل بادبادک‌هاست، بادبادک‌ها این پرنده‌های بازیگوش کاغذی، موجودات رنگارنگ دست ساز وقتی اوج می‌گیرند همچون پرنده‌ای هستند که دیگر نمی‌خواهند بر زمین بنشینند. انگار آسمان با این بادبادکها حرف دل مردمان این کوچه پس‌کوچه‌ها را درون دلش جا داده است. بیشتر آن‌هایی که سر صبح به بوستان گل‌آرا آمدند بادبادکی در دست ندارند یکی دوتایی هم که خود را زودتر به محل مسابقه رساندند در حال تمرین و رسیدن باد موافق برای پرواز دادن بادبادک هستند. مجری برنامه پشت بلندگو شروع به تشویق بچه‌ها و بزرگ‌ترها می‌کند تا برای نام‌نویسی و ثبت‌نام به محل میز مشخص شده هدایا بیایند. بچه‌ها دل توی دلشان نیست و می‌خواهند بدانند هدایای آماده شده چیست و قرار است به چه کسانی برسد. برای ثبت‌نام دور میز جمع می‌شوند ولی بادبادکی ندارند، تا اینکه امین... تاجیک بابای بادبادک‌ساز محله با دو پلاستیک بزرگ مشکی از موتور پیاده می‌شود و روی میز دیگری بساط بادبادک‌های دست ساز و نخ‌های رنگارنگ هدایت بادبادکش را روی آن می‌گذارد. با امین... تاجیک در شماره ۳۴۶ شهرآرامحله گفت‌وگوی مفصلی داشتیم و داستان زندگی‌اش و اینکه چگونه بادبادک‌ساز شده را حکایت کردیم.

امان... که من را می‌بیند سلام گرمی می‌کند و می‌گوید: «از آن روز که گفت‌وگویمان را چاپ کردید کار و بار ما رونق بیشتری گرفته است و این چند وقت مسابقات بادبادک‌بازی بیشتر شده است و بچه‌های گلشهری و ایرانی بیشتر بادبادک می‌خرند.» جای بسی خوش حالی است که گفت‌وگویمان باعث شده کسب و کار او که حالا وارد دوره پیری خود شده است، رونق بگیرد. با اینکه قیمت‌ها در بیشتر کالاها رو به افزایش است اما هنوز بادبادک‌های پلاستیکی را ۲ هزار تومان و کاغذی‌ها را ۵ هزار تومان می‌فروشد.

حالا بیشتر بچه‌ها بادبادک دارند و هر دو یا سه نفر با هم تیم می‌شوند یکی بادبادک را در دستش نگه می‌دارد و از هدایتگر فاصله می‌گیرد، نفر دوم هدایت بادبادک را بر عهده دارد و نفر سوم نیز نخ را برای او باز می‌کند. کم کم بزرگ‌ترها هم وارد گود می‌شوند. چند ماشین به محله مسابقه می‌رسند. یکی از آن‌ها مرتضی است

که همراهش ۴ نوجوان هستند و بادبادکها را برای او آماده می‌کنند. مرتضی سال‌ها درگیر مواد بود و به دلیل بادبادک‌بازی توانست اعتیادش را کنار بگذارد و حالا به دیگر معاندان نیز کمک می‌کند تا اعتیادشان را ترک کنند. گروهی از صداوسیما آمدند تا از زندگی و بادبادک‌بازی مرتضی مستند تهیه کنند.

برخی از بچه‌ها همراه پدر یا مادرشان هستند و از راهنمایی آن‌ها استفاده می‌کنند. با هر کدام که گفت‌وگو می‌کنم، می‌گویند هدایت و بادبادک هوا کردن را از پدرانشان آموختند. شور و شوق و هیجانشان بالاست. هر گروه سعی می‌کند با فاصله‌ای مناسب از گروه دیگر بادبادک را به پرواز درآورد. حالا بادبادکها، برفراز آسمان در پرواز هستند. نخ‌های آن‌ها را به اوج می‌برد. دستی آن‌ها را به سمت خورشید هدایت می‌کند و دستی هم با تمام قدرت تلاش دارد تا بادبادکی را که در حال سقوط است به آسمان برگرداند. باینکه این خطه انگار بخشی از کابل و بامیان افغانستان است و مهاجران حضور پررنگ‌تری در آن دارند ولی بچه‌های ایرانی علاقه‌مند به پرواز بادبادک نیز در این مسابقه حضور دارند.

سنی ندارد و کلاس چهارم است و تا امروز بادبادک‌های زیادی را به آسمان فرستاده است، عباس می‌گوید: «چندتا از آن‌ها به سیم‌های برق گرفتار شدند و همان‌جا عمرشان به پایان رسیده است، چندتایی از آن‌ها را باد با خود به کوچه‌ها و پشت‌بام‌های بعدی برد و دیگر پدیدایشان نکردم. وقتی نخ بادبادکی پاره می‌شود، دلم می‌گیرد. من و بادبادکها با هم عهدی بسته‌ایم. من به آن‌ها نخ می‌دهم و آن‌ها سلام من را به آسمان می‌رسانند. گاهی نگران آن‌ها می‌شوم که چه طور تک و تنها تا نزدیک ابرها می‌روند و برمی‌گردند و من همراهشان نیستم.»

علیرضا حیدری، کارشناس فرهنگی ناحیه ۲ شهرداری منطقه، در پایان مراسم و در گفت‌وگو با ما می‌گوید: «این برنامه با هدف شور و نشاط اجتماعی در میان کودکان، جوانان و خانواده‌های آن‌ها برگزار شده است. پیش از این نیز شهرداری منطقه به مناسبت‌های مختلف این برنامه را برای کودکان و بزرگسالان علاقه‌مند به این بازی سنتی برگزار کرده و هدایایی را به برندگان مسابقه تقدیم کرده بود.»

آی خبر

۱۰

نمایشگاهی که بخش‌هایی از زندگی علی بن موسی الرضا(ع) را روایت می‌کند

تجلی آفتاب

این روزها بوستان وحدت میزبان گروه‌های دانش‌آموزی در نمایشگاه مفهومی زیارت و نگارخانه رضوان است. این نمایشگاه و نگارخانه به صورت دائمی در فضای بوستان وحدت با مدیریت فرهنگ‌سرای امر به معروف دایر است. گزارش ذیل مربوط می‌شود به بازدید دانش‌آموزان از المان‌های این نگارخانه و در پایان نیز گفت‌وگویی داشتیم با کارشناس فرهنگی فرهنگ‌سرای امر به معروف درباره نگارخانه رضوان که در ذیل می‌خوانید.

تجلی آفتاب یا نگارخانه رضوان ۷ برش از زندگی شهروندی امام رضا(ع) را به نمایش گذاشته است. دانش‌آموزان با دقت به بررسی تک تک المان‌ها پرداخته‌اند و افزون بر مطالعه داستان آن به جزئیات به کار رفته در المان‌ها دقت می‌کنند. درباره داستان‌ها و پیام آموزشی که با خود به همراه دارد با یکدیگر گفت‌وگو و تبادل نظر می‌کنند. کارشناس فرهنگی فرهنگ‌سرای امر به معروف توضیح بیشتر از دانش‌آموزان می‌خواهد تا نکات آموزشی و اخلاقی را که از المان‌ها و داستان آن‌ها دریافت می‌کنند برای دیگر دوستان خود اعلام کنند و در صورتی که برداشت درستی از داستان‌ها داشته باشند، کتاب حکایت آفتاب را هدیه می‌گیرند.

کارشناس فرهنگی فرهنگ‌سرای امر به معروف در ابتدا به معرفی ۷ المان پرداخت و گفت: المان‌های حفظ آبرو در سخاوت، میهمان خدا، خوشرویی و محبت به برادر با ایمان، غذای دسته‌جمعی، همسایگان مستمند و نیازمند، تعیین مزدکارگر، رضایت امام بالاتر از رضایت مردم و نماز اول وقت از زندگی حضرت رضا(ع) به صورت داستان و با طراحی المان از سال ۹۲ در نگارخانه رضوان نصب شده است.

محمدعلی حسن‌زاده با بیان اینکه این المان‌ها از سوی سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد طراحی، تهیه و از سوی هنرمندان اجرا شده است، توضیح داد: از آنجا که بازدید مخاطبان از این طرح بسیار بالا بود حوزه هنری شهرداری مشهد نیز المان‌ها را برای بولوار جمهوری طراحی و به صورت تابلو اجرا کرد تا زائران بیشتری با دیدن این تابلوها با روش و سبک زندگی حضرت رضا(ع) آشنا شوند. ۷ برش از زندگی این امام معصوم با روش روایتگری تأثیر بالایی در بین مخاطبان شرکت‌کننده در نگارخانه دارد. از همه مخاطبان شما خانواده‌ها، مؤسسه‌های فرهنگی، سازمان‌های دانش‌آموزی و سمن‌ها برای بازدید از این نمایشگاه‌ها دعوت می‌کنیم.



حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن‌را به گوش مسئولان برسانیم.

اصلاح شیب آسفالت

اصحی نژاد: شیب آسفالت در آدرس شهید اسماعیل پورطرقی ۶ روبه‌روی مدرسه خیرزاده مناسب نیست، درخواست اصلاح شیب‌بندی را دارم.

جوابیه ۱۲۷: از محل بازدید شد، شیب آسفالت مناسب و به سمت زمین‌های کشاورزی است. با توجه به درخواست مدرسه خیرزاده، پیاده‌سازی شده بود که احداث این پیاده‌رو، باعث آب‌گرفتگی می‌شد بنابراین از سوی خدمات شهری منطقه، مسیر آب‌رو از میان پیاده‌رو به زمین‌های کشاورزی باز شد.

تعمیر آسانسور پل عابر پیاده

ظریف: آسانسور هر دو طرف پل عابر پیاده در آدرس بولوار وحدت، نیش وحدت ۱۴ خراب است درخواست رسیدگی دارم.

جوابیه ۱۲۷: به پیمانکار اخطار داده شده است و در مرحله تهیه قطعه موردنظر است که ظرف یک هفته آینده رفع نقص خواهد شد.

نصب سطل زباله

قنبری: سطل زباله آوینی یک، کنار حسینیه موسی‌بن‌جعفر برداشته شده است و مردم زباله‌ها را در محل خالی سطل قرار می‌دهند. درخواست نصب دوباره آن را دارم.

جوابیه ۱۲۷: با توجه به لایروبی کانال ابتدای خیابان شیعی، مخزن موردنظر به صورت موقت جابه‌جا و برای حمل لجن استفاده می‌شود که با اتمام عملیات لایروبی، مخزن نیز به محل قبلی خود منتقل می‌شود.



۱۳

اکران بنرهای اطلاع‌رسانی پروژه‌های عمرانی به شهروندان منطقه ۵

آگاهی‌رسانی پروژه‌های عمرانی و اطلاع‌رسانی جزئیات طرح‌های در حال اجرا به شهروندان به وسیله بنرهای اطلاع‌رسانی انجام می‌شود

به گزارش روابط عمومی منطقه ۵ در راستای شفاف‌سازی اقدامات عمرانی شهرداری منطقه به شهروندان و نیز براساس تأکید شهردار منطقه ۵ مبنی بر آگاهی‌رسانی پروژه‌های عمرانی و اطلاع‌رسانی جزئیات طرح‌های در حال اجرا به شهروندان، بیش از ۷۰ بنر بدرج اطلاعات پروژه در محل اجرای عملیات‌های عمرانی نصب شده است که شهروندان با مطالعه اجمالی بنر می‌توانند از طرح کلی پروژه، مترژ و مساحت، اعتبار و زمان اجرا، هدف پروژه و دیگر اطلاعات موجود مطلع شوند.

گفتنی است یکی از چشم‌اندازهای منطقه ۵ در سال جاری تکمیل و توسعه زیرساخت‌ها بوده است که با برنامه‌ریزی انجام‌شده هم‌اکنون پروژه‌های عمرانی شاخص و متعددی از سوی منطقه در حال اجراست و به‌زودی آماده بهره‌برداری برای شهروندان خواهد شد.



۱۲

پیشرفت بیش از ۸۰ درصدی پروژه احداث کانال جمع‌آوری آب‌های سطحی

پروژه جمع‌آوری آب‌های سطحی بولوار شهید مفتاح شرقی در منطقه ۵ به پیشرفت بیش از ۸۰ درصد رسید.

به گزارش روابط عمومی منطقه ۵، در راستای ایمن‌سازی مناطق مسکونی از خطر وقوع سیلاب و آب‌گرفتگی، رفع خسارت‌های احتمالی و توسعه زیرساخت‌های شهری در منطقه پروژه جمع‌آوری آب‌های سطحی در حال احداث است.

معاون فنی و اجرایی منطقه با تأکید بر ضرورت جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی و توسعه زیرساخت‌های این حوزه با توجه به بافت متراکم این منطقه ادامه داد: برای پیشگیری از بروز آب‌گرفتگی‌ها در معابر، عملیات پاک‌سازی و لایروبی کانال‌ها و جوی‌ها به صورت منظم انجام شده است.

کاظم یزدان مهر افزود: از ابتدای سال تاکنون بیش از ۲۳۰۰ متر طول کانال آب‌های سطحی در معابر عباس‌آباد، مهدی‌آباد، گلبو (گلشهر) و مفتاح شرقی برای هدایت آب‌های سطحی احداث شده است.



۱۱

آمادگی کامل نیروهای خدمات شهری منطقه برای روزهای بارندگی

شهردار منطقه از اعلام آمادگی کامل تجهیزات و نیروی انسانی در سطوح مختلف برای پیشگیری و مقابله با هرگونه آب‌گرفتگی و اختلال در رفت‌وآمد شهروندان در روزهای بارانی و برفی خبر داد.

حسین عبدا... زاده با اشاره به فرارسیدن فصل بارش‌های زمستانه و تدوین برنامه عملیاتی مقابله با بحران‌های احتمالی خاطر نشان کرد: در این راستا بیش از ۱۵۰۰ کیسه شن و نمک آماده‌سازی و نیز باکس‌های شن و نمک در سطوح شیب‌دار و پل‌های واقع در منطقه برای مقابله با یخ‌زدگی احتمالی و عبور و مرور ایمن جانمایی شده است.

وی افزود: آمادگی کامل یک‌صد نیروی کارگری، ۱۳ موتور پمپ و کف‌کش و ۶ دستگاه برف‌روب، لایروبی کامل کانال‌ها و کانپوها، جمع‌آوری نیوجرسی‌ها و جدول‌های شکسته برای جلوگیری از آب‌گرفتگی، پوشاندن آب سردکن‌های منطقه، آماده‌سازی بیل‌های برف‌روب گروه‌های زمستانه از جمله اقدامات پیش‌بینی شده در این باره است.



مردمک

هرس درختان و درختچه‌هایی که پناهگاه کارتن‌خواب‌ها در شب‌های سرد پاییزی بود

موقعیت تصویر:
بولوار ولایت

۱۴

صدر

